

## منشاء دین از دریچه نظریه زبان‌شناسی چامسکی

عباس شاه منصوری<sup>۱</sup>

الله کرم کرمی پور<sup>۲</sup>

### چکیده

از مسائل مهمی که در مطالعات دین‌پژوهی مورد توجه اندیشمندان این عرصه قرار می‌گیرد، بحث مهم «منشاء دین» می‌باشد. از این زاویه گروهی قائل به منشاء الهی و گروهی نیز منشاء انسانی برای آن قائلند. در این میان یکی از مباحثی که می‌تواند در حکم مویدی بر هر کدام از این دو دیدگاه باشد، مساله زبان و منشاء آن است. بر این اساس در این مقاله با پرداختن به دیدگاه زبان‌شناس معروف معاصر نوآم چامسکی به موضوع منشاء زبان در می‌یابیم که در این دیدگاه، زبان منشایی فطری داشته و این توانایی به غیر از آموزش و اکتساب برای انسان حاصل می‌آید و بدین طریق با اثبات غیر انسانی بودن حداقل یکی از پارامترهای حیات انسانی به نام «زبان» می‌توان خط بطلانی کشید بر دیدگاه کسانی که در منشاء دین توجیهی طبیعی نموده و امری انسانی برای آن قائلند. و بدین طریق می‌توان از غیر انسانی بودن منشاء زبان، به غیر انسانی بودن منشاء دین نیز گریز زد و از این اثبات، نفی انسانی بودن منشاء دین را قائل شد.

### واژگان کلیدی

چامسکی، منشاء دین، منشاء زبان، زبان‌شناسی

Email: Zekr59@gmail.com

۱. دانشجوی دکتری دین‌پژوهی دانشگاه ادیان و مذاهب قم

Email: Karamip49@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم

پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۲۷

## طرح مساله

یکی از موضوعات مهم در مطالعات دین‌پژوهی، موضوع محوری «منشاء دین» می‌باشد؛ بدان معنا که دین به عنوان مجموعه‌ای منسجم از اعتقادات، اعمال و مناسک، از کجا نشأت یافته و چه منشایی برای پیدایش آن وجود داشته است؟ در پاسخ به این سوال دیدگاه‌های متفاوت و متعددی ارائه شده که در یک تقسیم‌بندی می‌توان آنها را در دو گروه کلی قرار داد: «نظریات الحادی و نظریات خداگرایانه. ویژگی اصلی نظریات الحادی این است که برای دین منشایی فوق‌طبیعی قائل نیست؛ بلکه دین را صرفاً بر اساس امور روان‌شناختی و یا جامعه‌شناختی تبیین می‌کنند» (قائم‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۰). ویژگی اصلی نظریات الحادی را می‌توان در نگاه تکامل‌گرایانه آنها جستجو نمود «یعنی حالت ساده‌ای برای ادیان در نظر می‌گیرند و آن را بر اساس عاملی روانی و یا جامعه‌شناختی تبیین می‌کنند و سپس ادیان پیچیده را حالت تکامل یافته آن دین ساده می‌دانند. به عنوان مثال، برخی ساده‌ترین دین را توتیمسم می‌دانند. به این جهت، نظریات الحادی را نظریات تکامل‌گرایانه نیز می‌گویند.» (قائم‌نیا، ۱۳۷۹: ۲۱). از جمله نظریات تکامل‌گرایانه در باب منشاء دین می‌توان به نظریه عصر پیش از جانمندانگاری<sup>۱</sup> مارت<sup>۲</sup>، طبیعت‌گروی<sup>۳</sup> ماکس مولر<sup>۴</sup>، توتیم‌گروی<sup>۵</sup> امیل دورکهایم<sup>۶</sup>، روان‌زایی<sup>۷</sup> فروید<sup>۸</sup> و امثال اینها اشاره نمود. نقطه مشترک در همه این دیدگاه‌ها آن است که منشایی غیر الهی برای دین قائل بوده و در خود طبیعت به دنبال منشایی برای دین بوده‌اند.

در مقابل این دیدگاه، برخی نیز به منشاء الهی برای دین قائل بوده و از تنزل دین به امری انسانی اجتناب نموده‌اند.

۱. Preanimism
۲. Marett
۳. naturism
۴. Max Muler
۵. totemism
۶. Emile Durkheim
۷. psychogenic
۸. Sigmund Freud

از جمله شواهدی که می‌تواند له یا علیه هر یک از دیدگاه‌های فوق قرار گیرد، موضوع «زبان» است که نقش کلیدی در حیات انسانی ایفا می‌کند؛ بدینصورت که دیدگاه متخذ در مورد منشاء و چگونگی شکل‌گیری زبان می‌تواند قابل تطبیق با بحث دین باشد؛ چنانکه اگر زبان را نه حاصل قرارداد و وضع، بلکه حاصل امری بیرون از مجموعه انسانی دانستیم آنگاه می‌توانیم ادعا نماییم که نمی‌توان در حصار مجموعه انسانی محدود مانده و غیر آن را انکار نمود و اینچنین است که با ارائه یک شاهد خلاف، راه انکاری برای قائلین به حذف ماوراء بشر نخواهد ماند. البته این بدان معنا نیست که اگر این دیدگاه از قائلین به خداوند گرفته شود سخن منکران به کرسی می‌نشیند بلکه ما بر آنیم که یکی از دریچه‌هایی که می‌توان به بحث منشاء دین نگریست، موضوع «زبان» است و با یافتن منشایی غیر انسانی برای آن، دیگر نمی‌توان به سخن کسانی که همه چیز را منحصر در مجموعه انسانی می‌دانند وقعی نهاده و بر این اساس می‌توان نظریات دین‌شناسانه‌ای را که منشایی انسانی برای دین قائلند را به دیده بطلان نگریست.

باید گفت اگرچه در باب منشاء دین، دیدگاه‌ها و انظار مختلفی ارائه شده و نقد و بررسی‌های زیادی صورت گرفته است، اما شاید در این میان پرداختن به این مبحث از دریچه شواهد همسانی همچون منشاء زبان صورت نگرفته و از این جهت می‌توان پژوهش پیش‌رو را نظری بدیع به این مسأله دانست و چه بسا نتوان برای آن در میان کارهای پژوهشی پیشین سابقه‌ای یافت و بدین ترتیب می‌توان این نگاه را مقدمه‌ای به تحقیقات آتی در نظر گرفت. مهم‌ترین سوالی که پژوهش پیش‌رو به جستجوی آن می‌پردازد آن است که آیا در صورت اثبات غیر بشری بودن منشاء زبان از دیدگاه نوآم چامسکی زبان‌شناس معروف آمریکایی، می‌توان از این موضوع به موضوع منشاء دین نیز راهی جست و دین را نیز دارای منشایی غیر بشری دانست؟

### دیدگاه‌های زبان‌شناسانه

در بررسی دیدگاه‌های مختلفی که در زبان‌شناسی مطرح است می‌توان گفت «اگر بخواهیم

تصویری از چهرهٔ زبان‌شناسی نظری<sup>۱</sup> امروز ترسیم کنیم می‌توان از سه نگرش مسلط در این رشته سخن بگوییم. این سه نگرش در واقع سه تفکر غالب در زبان‌شناسی نظری امروز است، به این تعبیر که هر کدام طرفداران و حامیان قابل ملاحظه‌ای را جذب نموده است، به طوری که گروه‌های زبان‌شناسی، کتاب‌ها، مقاله‌ها، رساله‌ها، مجله‌ها، و همایش‌های علمی عمدتاً به معرفی، پژوهش و نشر آراء و افکار نشأت گرفته از این نگرش‌ها می‌پردازند. این نگرش‌ها عبارت‌اند از زبان‌شناسی صورت‌گرا<sup>۲</sup>، زبان‌شناسی نقش‌گرا<sup>۳</sup>، و زبان‌شناسی شناختی<sup>۴</sup>. (دبیر مقدم، ۱۳۸۶: ۹)

در نظریهٔ زبانی ساختارگرا، ساختار کلی زبان مورد نظر قرار می‌گیرد. بر این مبنا زبان فقط فهرستی از واژگان نیست بلکه مجموعه‌ای از نام‌هاست که برای مفاهیم و معانی موجود به کار می‌روند. معنای هر واژه حاصل روابط معنایی خاصی است که در نظام زبان میان آن واژه با دیگر واژه‌ها برقرار می‌باشد. و بر همین نسق، صورت آوایی واژه نیز از شبکهٔ تقابلهای و برابریهایی نتیجه می‌شود که نظام زبان بر صداها تحمیل می‌کند. (لاینز، ۱۹۸۴: ۲۲۱)

در نظریهٔ نقش‌گرا، این نقشهای اجتماعی هستند که موجب شکل‌گیری زبان می‌شوند؛ چنانکه در مورد کوچکترین واحد آوایی قائل بودند «در واقع، آنچه سبب تمایز یک واحد آوایی یعنی یک واج، از واج دیگر می‌شود، واقعاً خود صوت نیست، بلکه نقش تمایز دهندهٔ آن است.» (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۶: ۹۴)

در دستور شناختی زبان به عنوان نظامی ذهنی و شناختی در نظر گرفته می‌شود و بنابراین مسألهٔ استقلال زبان از دیگر قوای شناختی مطرح نیست و درک جامع نظام زبان بدون درک و شناخت کامل نظام شناختی میسر نیست. (دبیرمقدم، ۱۳۸۶: ۶۶)

از آنجایی که پرداختن به تمام نظریات در این باب، میسر نیست، چاره‌ای جز اختصار بر مهم‌ترین این نظریات و گفتگو پیرامون آن نخواهیم داشت.

- 
۱. theoretical linguistics
  ۲. formal linguistics
  ۳. functional linguistics
  ۴. cognitive linguistics

در یافتن اهم دیدگاه‌های مطرح شده در زبان‌شناسی، توجه به این نکته لازم است که معمولاً نظریات مهم‌تر آنهایی بوده‌اند که تحول در اندیشه‌های پیشین را موجب شده و به عنوان انقلاب‌هایی در این دانش مورد توجه قرار می‌گیرند. در پی یافتن انقلاب‌هایی در زبان‌شناسی، بنا بر ایده برخی زبان‌شناسان با سه انقلاب مواجه خواهیم بود. فردریک نیومایر<sup>۱</sup> که خود از زبان‌شناسان معروف و دارای آثار فراوان در این زمینه است، این انقلاب‌ها را چنین شماره می‌کند که نخستین آن‌ها را از آن ویلیام جونز می‌داند که در خطابه خود در مورد زبان سانسکریت از خویشاوندی زبان‌های کهن همچون سانسکریت، یونانی و لاتین و ریشه مشترک داشتن آن‌ها سخن گفت. دومین انقلاب به آراء دوسوسور زبان‌شناس سوئیسی مربوط می‌شود و سومین انقلاب نیز به چامسکی تعلق دارد. (نیومایر، ۱۹۸۰: ۴۶-۴۷)

نیومایر در مقاله (۱۹۸۶) خود با عنوان آیا در زبان‌شناسی انقلابی به نام انقلاب چامسکی رخ داده است؟ با ردّ تردیدهایی که در این خصوص ابراز گردیده مدعی است که نظریه چامسکی، انقلابی در دانش زبان بوده و کتاب ساخت‌های نحوی او را نماد و مظهر این انقلاب خوانده است.

بر این اساس می‌توان گفت نظریه زبانی چامسکی جدیدترین و تاثیرگذارترین نظریه در میان نظریات متفاوت و متنوع زبان‌شناسی است و این امتیازات و اهمیت دیدگاه چامسکی در حال حاضر، جهتی باقی نمی‌گذارد تا به دیدگاهی غیر از آن پرداخته شده و از نگاهی دیگر به مبحث «منشاء زبان» نگریسته شود.

### نظریه چامسکی در باب زبان

دیدگاه چامسکی در این باب را می‌توان از چند جهت مورد بررسی قرار داد؛ بدین‌صورت که نخست کلیت دیدگاه چامسکی در مورد زبان و سپس روش او در باب علمی بودن نظریات و پس از آن مبانی متخذ او در زبان‌شناسی و نهایتاً نظرگاه او در باب منشاء زبان را به نظاره خواهیم نشست.

## ۱. دیدگاه کلی چامسکی در باب زبان

نقطه عزیمت به دیدگاه چامسکی در باب زبان شناسی را می‌توان در نقد وی بر رفتار کلامی بی اف اسکینر<sup>۱</sup> در سال ۱۹۵۹م دانست. بر اساس دیدگاه اسکینر، «رفتار کلامی» جایگزین «زبان» شده بود. چامسکی بر خلاف اسکینر که زبان را به مثابه رفتاری کلامی دانسته که یادگیری‌اش از پیچیده‌ترین انواع شکل‌گیری عادات محسوب می‌شود، زبان را محرک\_آزاد (stimulus-free) و قاعده-بنیاد (Rule-Governed) می‌داند. دیدگاه چامسکی در باب زبان را می‌توان در سه سوال کلی که مطرح نموده و به آنها پاسخ داده است یافت:

۱. دانش زبانی چیست و از چه چیزی تشکیل یافته است؟

۲. دانش زبانی چگونه فراگرفته می‌شود؟

۳. دانش زبانی چگونه مورد استفاده قرار می‌گیرد؟

چامسکی مسائل مطرح فوق را به ترتیب، مساله هومبولت (Humboldt's problem)، مساله افلاطون (Plato's problem) و مساله دکارت (Descartes's problem) نام می‌نهد. نگاهی مختصر و گذرا به پاسخ‌های چامسکی به سه مساله فوق می‌تواند درک روشنی از دیدگاه زبان شناسی چامسکی را فراهم آورد:

### مساله هومبولت: ساختار دانش زبان

ویلهلم فون هومبولت<sup>۲</sup> اندیشمندی است که چامسکی او را پیرو آراء اولین انقلاب شناختی در قرن‌های ۱۷ و ۱۸ می‌خواند. هومبولت زبان را نظامی فرض می‌نماید که کاربردی نامتناهی از ابزاری متناهی را فراهم می‌سازد. (هومبولت، ۱۸۳۶: ۱۱۲) از نظر هومبولت باید تمایز نهاد میان نظام زبانی و مجموعه فراهم شده از جملات و قطعات گفتاری تولید شده. وی اساساً زبان را از نوع نخست (Ein Erzeugung)<sup>۳</sup> محسوب می‌دارد تا پیکره‌ای جمع بندی

---

۱. B.F. Skinner

۲. Wilhelm Van Humboldt

۳. در معنای این واژه، تولید، زندگی و حیات ملحوظ است.

شده از قطعات گفتاری (Ein Todtes Erzeugtes)<sup>۱</sup>.

از نظرگاه چامسکی، تمایزی که هومبولت قائل می‌شود تمایزی اساسی است میان دیدگاه خردگرایان در باب زبان با دیدگاه تجربه‌گرایان در این موضوع. چامسکی زبان به معنای نخستش را که فرآیند و سیستم لحاظ می‌شود و نگاهی خردگرایانه به زبان است را زبان درونی (Internalized Language) نامیده و نگاه دومین را که برخاسته از دیدگاهی تجربه‌گرایانه است، زبان بیرونی (Externalized language) می‌نامد.

آنچه به عنوان زبان درونی که از دیدگاه چامسکی همان حقیقت زبان است مورد توجه او قرار گرفته، وضعیتی شناختی در ذهن و یا مغز فرد است که بر خلاف زبان بیرونی، هیچ وابستگی به محیط نداشته و از بافتی آزاد برخوردار است.

سابقه چنین تمایزی را که در سال ۱۹۸۶ مطرح گردید می‌توان در آثار پیشین وی در سال ۱۹۶۵ نیز مشاهده نمود که طی آن زبان درونی جایگزین توانش زبانی (Competence) و زبان بیرونی جایگزین کنش زبانی (Performance) شده است. چامسکی توانش را تعریف به دانش هر گوینده - شنونده از زبان نموده است و کنش را استفاده واقعی از زبان در شرایط ملموس بین نموده و توانش خود را معادل گفتار درونی (Inner Speech) هومبولت می‌داند. (چامسکی، ۱۹۶۵: ۴)

### مساله افلاطون: یادگیری زبان

افلاطون بر آن بود که چگونه با شواهدی بسیار ناچیز، دانش گسترده‌ای همچون زبان را یاد می‌گیریم؟ (چامسکی، ۱۹۹۱: ۵) کاملاً روشن است که پاسخ افلاطون به این سوال در سایه نظریه کلیدی اش، مُثُل، رقم خواهد خورد که بر اساس آن حقیقت عالم، جای دیگری بوده و معرفت زمانی حاصل می‌شود که این خیال و توهمات با آن حقایق انطباق یابد. در این میان چامسکی هم با افلاطون موافق بود و هم مخالف؛ تا آنجایی که به دانشی پیشینی اشاره می‌شد، چامسکی همراه با افلاطون بود اما از آنجایی که عالمی دیگر برای این معرفت پیشین تصور می‌شد از همراهی با افلاطون خودداری می‌نمود. (چامسکی، ۱۹۹۱: ۱۰) از دیدگاه

۱. در معنای این واژه بر خلاف واژه پیشین، عدم تولید و میرایی مدنظر است.

چامسکی، دانش عام زبانی که همان قدرت نطق است فطری بوده و از شالوده‌ای زیست‌شناختی در انسان برخوردار است و زبان نیز عضوی همچون دیگر اعضاء انسان محسوب می‌شود که چامسکی از آن تعبیر به عضو ذهنی (mental Organ) کرده که به صورت ژنتیکی با فرآیندهای مغزی در ارتباط است. (چامسکی، ۲۰۰۰: ۷۶-۷۷)

دانش عام زبانی که چامسکی از آن به عنوان دستور همگانی (Universal Gramer) و وضعیت صفر (State Zero) یاد می‌کند بوسیله تجربه است که به شکوفایی رسیده و دانش زبانی فرد از خود زبان شکل می‌گیرد.

### مساله دکارت: کاربرد زبان

چامسکی پس از بیان اقوالی از دکارت قائل است که او به جنبه خلاق کاربرد عادی و روزمره زبان (۱۹۶۶: ۴) و متکی نبودنش بر محرک و عامل بیرونی تاکید داشته است (۱۹۶۶: ۱۷)

چامسکی پس از بیان تلاشهای دیگر اندیشمندان همفکر با دکارت در این زمینه، نتیجه می‌گیرد که کاربرد خلاق زبان لازمه لاینفک و نیز پایه و اساس هر نوع فعالیت مربوط به تخیل خلاق است فارغ از ابزار تجلی آن تخیل. (۱۹۶۶: ۱۷ و ۱۸)

چامسکی در ادامه قائل است که تاکید بر جنبه خلاق زبان را که ویژگی خاص زبان بشری است می‌توان در تلاشهای هومبلت یافت. (۱۹۶۶: ص ۱۹). او در ادامه دستور زایشی زبان را مبتنی بر تعبیری صورت گونه از زبان که در آراء هومبلت مورد اشاره قرار داد، مبتنی نموده (۱۹۶۶: ص ۲۲) و قصد آن را نمایش جنبه‌هایی از صورت زبان به صورت صریح بیان می‌دارد که می‌خواهد جنبه‌هایی از صورت مشترک میان همه زبان‌ها را تعیین نماید. (۱۹۶۴: ۱۹ و ۲۰)

### ۲. روش‌شناسی چامسکی در باب نظریات علمی

از آنجایی که روش متخذه توسط هر اندیشمندی جهت ارائه نظراتش تاثیر بسزائی در سامان دهی دیدگاه او دارد، تاملی در موضع چامسکی در این باب جهت فهم دیدگاه کلی او در دانش زبانشناسی در این زمینه راهگشا است.

در بررسی روش چامسکی باید گفت همچنانکه خود او تصریح می‌کند روش کارش



در سبک گالیله ای- نیوتنی (Galilean-Newtonian style) در علوم طبیعی جای می‌گیرد. (چامسکی، ۱۹۸۰: ۹-۸). طبق دیدگاه گالیله، این فرضیه نیست که با داده‌ها قوام می‌یابد بلکه حتی اگر داده‌هایی نظریه‌ای را ابطال کنند، این امکان وجود دارد که داده‌ها اشتباه باشند. (چامسکی، ۲۰۰۲: ۹۸) بر این اساس چامسکی نیز بر این اعتقاد است که در موارد زیادی نظریه‌های انتزاعی می‌توانند حقیقت را بیان کنند در حالی که صرف داده‌ها از چنین کاری عاجزند. «چامسکی نیز همچون سلف خود، گالیله، معتقد است که در بسیاری از مواقع نظریه‌های انتزاعی حقیقت را بیان می‌دارند و نه صرف داده‌ها. مجموعه پدیده‌های مشاهده شده به دلیل وجود و دخالت عوامل گوناگون تحریف واقعیت‌های حقیقی‌اند و از این رو می‌باید بسیاری از آنها را به کناری نهاد و در جست و جوی اصولی بود که درک ما را از نحوه عملکرد جهان ارتقاء بخشند، تا توصیف صرف پدیده‌های منفرد». (زاهدی، ۱۳۸۵: ۲۷)

چامسکی بر اساس دیدگاه نیوتنی نیز قائل است که ذهن انسان و جهانی که می‌بینیم کاملاً بر هم منطبق نیستند و در گذر از مراحل علمی است که بشر قادر بر ایجاد بهترین نظریه ممکن می‌گردد. (چامسکی، ۲۰۰۲: ۱۰۰)

خلاصه آنکه، به کارگرفتن چنین روشی در دیدگاه زبان‌شناسی چامسکی موجب می‌شود که او نه همچون زبان‌شناسان دیگر که تنها در پی توصیف داده‌های زبانی هستند عمل نموده و بلکه درصدد بیان اصول حاکم بر زبان باشد.

**۳. مبانی دستور زایشی به عنوان دستور مورد نظر چامسکی در رویکرد ساختارشناسی**  
شناخت مبانی دستوری که از میان دستورهای دیگر صورت‌گرایی مورد توجه چامسکی بوده است، درک دیدگاه زبان‌شناسانه چامسکی را بهتر فراهم می‌آورد. از این رو مبانی دستور زایشی را از نظر می‌گذرانیم:

- پابندی دستور زایشی به فلسفه و تفکر عقل‌گرائی فوق‌الوصف
- تمایز قائل شدن میان دانش زبانی و تبلور و بالفعل شدن آن.
- صورت‌گرایی و اهتمام به ارائه توصیف‌ها و تبیین‌های صورت‌گرایانه برای ساخت‌های زبانی.
- باور به استقلال و جدا بودن بخش‌های تشکیل دهنده نظام زبان شامل بخش نحو،

بخش واژگان، بخش واجی و بخش معنا.

- قائل بودن به استقلال قوه نطق و دانش زبانی از دیگر قوای ذهن از قبیل هوش، تفکر و استدلال منطقی، اصول و ملاحظات اجتماعی و فرهنگی ناظر بر کنش‌های زبانی، فرایندهای روانشناختی دخیل در ادراک و گفتار، حافظه طولانی مدت و اصول کلی یادگیری و مفهوم سازی. (البته آزمایش‌های زیادی نیز این دیدگاه را تایید می‌نماید).

- منحصر و محدود کردن وظیفه زبانشناسی به مطالعه صرف و محض حوزه زبان که شامل مواردی می‌شد که در بند قبلی مورد اشاره قرار گرفت.

- توجه به حوزه نحو و جمله‌محور بودن.

- داده‌های زبانی مورد اتکاء معمولاً فارغ از بافت موقعیتی / غیرزبانی و بافت زبانی بررسی و توصیف می‌شوند و قضاوت و شم زبانی فردی مبنای تصمیم‌گیری در خصوص دستوری بودن یا غیر دستوری بودن داده‌ها واقع می‌شود.

- قائل نبودن به تکامل در زبان.

- آرمان گرایی و جامعه زبانی همگن نیز دو مفهوم و دو وضعیتی‌اند که همواره مورد

استناد چامسکی بوده است. (دبیر مقدم، ۱۳۸۶: ۱۷-۲۴)

#### ۴. دیدگاه چامسکی درباره منشأ زبان

سخن گفتن از منشأ زبان همیشه با سختی و تنگناهای خاص خود مواجه بوده و در میان اندیشمندان (تجربه‌گرا) به علت عدم وجود بینه‌ای بر این امر، هیچ نظریه‌ای هم در این باره از قطعیت لازم برخوردار نبوده و عدم دسترسی به چنین قطعیتی مورد اعتراف همگان است؛ چنانکه گفته شده: «وقتی که از زندگی انسان بر روی زمین نشانه‌هایی کشف می‌کنیم که قدمت آن‌ها به نیم میلیون سال قبل می‌رسد، هرگز به مدرک روشنی در خصوص زبان‌گویی اجداد بسیار قدیم خود بر نمی‌خوریم؛ مثلاً در میان استخوان‌های قدیمی، هیچیک از قطعات خاک آلود یک نوار کاست وجود ندارد تا به ما بگوید زبان در دورانهای اولیه چگونه بوده است. شاید به دلیل همین فقدان مدارک ملموس است که هرگز از نظر فرضیه پردازی در مورد منشأ گفتار انسان، در مضیقه نبوده‌ایم.» (یول، ۱۳۸۶: ۵ و ۶)

چامسکی دیدگاه خود در مورد منشأ زبان را با نقد دیدگاه‌های دیگر در این زمینه که

بیشتر درون مایه تکاملی دارند بیان می‌کند. از جمله آراء کارل پوپر<sup>۱</sup> مبنی بر تکاملی بودن زبان از شکلک‌ها و اشارات تا وضعیت فعلی اشاره نموده و قائل است در رویکرد پوپر چگونگی گذر از یک مرحله به مرحله دیگر تبیین نشده است. (۱۹۷۲: ۶۷ و ۶۸). او بر «رفتار زبانی» اسکینر نیز دو نقد اساسی وارد می‌داند اول آنکه رفتار موشها در جعبه‌های آزمایشگاهی هیچ ربطی به رفتار انسان و زبان آموزی او ندارد و دوم آنکه اسکینر اساساً طبیعت زبان را بد کرده است. چامسکی قائل است که کاربرد عادی زبان فعالیت‌ی زیایا بوده و نیز زبان از محیطی که در آن به کار می‌رود کاملاً آزاد است و این دو جنبه مهم از دیدگاه چامسکی زبان انسان را از نظام‌های ارتباطی میان جانوران متمایز می‌سازد (۱۹۷۲: ۲۰)

همین طور، از دیدگاه چامسکی، زبان یا قوه زبانی خاص نوع بشر (species-specific) می‌باشد و حتی ساده‌ترین ساختار آن در پیشرفته‌ترین حیوانات که نخستی‌ها (primates) نام دارند-همانند شامپانزه- وجود ندارد. تلاش‌های بسیاری برای ابطال این فرضیه چامسکی صورت گرفت که از آن میان می‌توان به آزمایش‌های گاردنر و گاردنر (۱۹۷۱)، رومباو (۱۹۷۷) و پترسون (۱۹۸۱) اشاره کرد که همگی آن‌ها دارای مشکلات عدیده روش شناختی و تفسیر داده‌ها و نتایج بودند. (زاهدی، ۱۳۸۵: ۲۶)

چامسکی با استناد به پژوهش‌های اخیر در خصوص نظام‌های ارتباطی حیوانات و نیز تلاش‌های انجام شده برای آموزش زبان به حیوانات، زبان انسان را پدیده‌ای مختص او و متمایز از سایر حیوانات می‌داند و می‌نویسد: «ایده تبیین تکامل زبان از نظام‌های ارتباطی نخستین که مربوط به سطوح پایین توانایی ذهنی و هوشی متعلق است کاملاً بی‌اساس است.» (۱۹۷۲: ۶۷) او نهایتاً در ابراز عقیده خود در این مورد می‌نویسد: «زبان انسان موردی است از پیدایش یعنی پدیدار شدن پدیده‌ای به لحاظ کیفی متفاوت، در مرحله‌ای خاص از پیچیدگی ساختار ذهن و مغز» (۱۹۷۲: ۷۰)

تامل در نحوه زبان آموزی کودک از دیدگاه چامسکی، دیدگاه او در مورد منشاء زبان را وضوح بیشتری می‌دهد. چامسکی شکل‌گیری دانش زبانی یک زبان خاص را حاصل دو

---

۱. Karl raimund popper

عامل می‌داند: عامل نخست و اساسی دانش زبانی ذاتی / زیستی است که از آن به دستور همگانی<sup>۱</sup> تعبیر می‌شود. (۱۹۸۰: ۲۸-۱۹۸۶: ۳ - ۲۰۰۰: ۴) و عامل دوم دانش زبانی خاص است که چامسکی تحت عنوان توانش<sup>۲</sup> زبانی از آن نام می‌برد. (۱۹۶۵: ۴). بدین طریق کودک با دارا بودن دانش زبانی ذاتی، و داده‌های زبانی‌ای که در معرض آن است، دانش زبانی خاصش شکل می‌گیرد.

در واقع می‌توان گفت نقطه ثقل دیدگاه چامسکی در مورد ذاتی بودن زبان، همان قائل شدنش به دستور همگانی است که آن را اصل اساسی در زبان آموزی کودک می‌داند. بر اساس همین نظریه است که او به پیدایش و نه تکامل در مورد زبان قائل می‌شود. عمده ادله‌ای را که چامسکی بر دستور همگانی و به تعبیری دانش زبانی ذاتی ارائه می‌نماید را می‌توان در دو مورد خلاصه نمود: اول آنکه با وجود داده‌های محدود نخستین و در برخی موارد ناقص و غلطی که کودک در معرض آن قرار می‌گیرد، او این توانایی را دارد که جمله‌های زیاد و ناشنیده‌ای را تولید و فهم نماید. دومین دلیل نیز آن است که وجوه اشتراکی فراوانی میان دانش زبانی افراد مختلف در یک جامعه زبانی یافت می‌شود هرچند که محیط زبانی افراد آن جامعه زبانی یکسان نباشد. (۱۹۶۵: ۵۸ - ۱۹۷۲: ۲۷ - ۱۹۷۵: ۳۵)

نهایت آنکه در جمع‌بندی دیدگاه زبان‌شناسی نوآم چامسکی در باب منشاء زبان می‌توان گفت که چامسکی با پذیرش روش شناسی برنامه‌های پژوهش علمی<sup>۳</sup> در روش‌های مطرح شده در فلسفه علم، به دانش زبان‌شناسی روی نموده و با ابراز دیدگاه‌های خاص خود موجب انقلابی در این دانش گردیده است. او در این راستا با قرار گرفتن در نگرش ساختارگرایی نسبت به زبان، از دریچه دستور زایشی و با مبانی این دستور به زبان می‌نگرد و بر اساس همین مبانی است که به ارائه دیدگاه در نحوه زبان آموزی کودک پرداخته و با نقد نگرش‌های تکاملی به این موضوع، از گونه‌ای پیدایش در منشاء زبان برای انسان و ذاتی بودن زبان سخن گفته است.

---

۱. Universal Grammar= UG

۲. competence

۳. The Methodology of Scientific Research Program \_MSRP

**نقد و نظر:** به حسب قلمرو این پژوهش آنچه می‌تواند مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد نه همه دیدگاه چامسکی در زبان‌شناسی و بلکه تنها دیدگاه ایشان در مورد منشاء زبان است. اگرچه در همین بررسی نیز ناگزیر از گریزهایی به برخی مبانی متخذة او هستیم. در بررسی روش چامسکی باید گفت که این اتخاذ روش در فضایی صورت می‌پذیرد که عدم قطعیت اصل حاکم بر آن است و بنابراین چامسکی نیز در همین فضا و در بستری که برای نظریه علمی دیدگاه‌های مختلفی عرضه می‌شود با اتخاذ دیدگاه لاکاتوشی<sup>۱</sup> (روش‌شناسی برنامه‌های پژوهش علمی) در فلسفه علم که پس از نقد دیدگاه‌های پوپر و کوهن در این عرصه ارائه شده، به ایراد دیدگاه متخذ خود می‌پردازد. پر مسلم است که وارد شدن در نقد و بررسی چنین روشی خود مقال مفصل دیگری می‌طلبد. اما به هر حال برای کسانی که دیدگاه‌های علمی را در پرتو همین نظریات پی می‌گیرند باید گفت روش متخذة چامسکی در میان نظریه‌های ارائه شده از مقبولیت بیشتری برخوردار بوده و قابلیت بیشتری برای توجه دارد.

همین بیان در مورد مبانی دستور زایشی در نگرش ساختار گرایانه به زبان نیز حاکم بوده و آنچه در این مبانی مذکور شد عمدتاً مورد قبول کسانی است که هنوز دلبستگی‌هایی به فلسفه مدرسی و سخن گفتن در آن وادی را داشته و بنابراین در معرض نقد و اشکالاتی از سوی تجربه‌گرایان قرار می‌گیرد که خود جدالی چندصد ساله و ظاهراً بی‌سرانجام است. اما شواهدی که چامسکی ارائه می‌کند فارغ از روش علمی او، قابل توجه بوده و مؤیداتی قوی بر دیدگاهش می‌باشند و چنانکه اشاره شد تلاشهایی که برای مخالفت با این شواهد صورت گرفته هنوز به نتیجه قطعی و قابل توجهی نرسیده‌اند.

البته شاید آنچه بیشترین مخالفت‌ها با نظریه ذاتی بودن زبان را موجب می‌شود تسلط دیدگاه تکاملی بر تمام شئون فکری انسان امروزه است؛ دیدگاهی که با تمام کاستی‌هایش سلطه‌ای بر ذهن و اندیشه دوران معاصر داشته و اندیشیدن در چهارچوبی فراتر از آن را دشوار نموده است. اگر تنها برای لحظاتی این اندیشه حکمرانی خود بر اذهان را از دست دهد آنگاه خواهیم دید که قائل بودن به دیدگاه‌های مخالف آن و از جمله قائل شدن به منشایی

۱. برای مطالعه بیشتر نگ: زاهدی، کیوان، ۱۳۸۵، زبان‌شناسی چامسکی، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۰،

غیر تکاملی و ذاتی برای زبان نیز می‌تواند تلقی به قبول شود.

فارغ از این سخن، و حتی بدون پذیرش دیدگاه چامسکی در ذاتی بودن زبان، نقدهای ایشان بر شکل‌گیری تکاملی زبان قابل توجه بوده و با ساقط شدن ادله قائلین به سیر تکاملی زبان، باید سایه سنگین نگرش تکاملی را حداقل از این قسمت از دانش بشری به دور داشت. این سخن چامسکی در نقد بر دیدگاه‌های اسکینر کاملاً پذیرفتنی است که از آزمایشاتی بر روی برخی حیوانات نمی‌توان به حکمی در مورد انسان دست یافت. آیا اسکینر و پیروانش از تمام ویژگیهای حیوانات آگاهی داشته که در مرحله بعد به تعمیم یافته‌های خود بر انسان نیز اقدام کنند؟ اساساً آیا برای انسان این امکان خطا نیست که وقتی به «زبان» می‌اندیشد فقط به ویژگیهای زبانی که خود با آن تکلم می‌کند آگاهی داشته و با همین محدوده و با قیاس به نفس می‌خواهد گستره‌های دیگر را نیز رصد کند؟ آیا نمی‌شود حیوانات از زبانی که به تمامه با زبان انسان‌ها متفاوت است و حتی ممکن است میان خود انواع حیوانات نیز کاملاً متفاوت باشد با هم تکلم کنند؟ اگر چنین امکانی وجود دارد - که دارد - پس به چه مجوز علمی، حیوانات را فاقد نظامی برای تکلم و یا فروتر از انسان‌ها در این امر بدانیم؟ آیا تمام اینها بر اساس پیش فرض‌هایی عجولانه و محدود در فضاهای تنگ فکری نیست؟

در مجموع می‌توان گفت در فضای علمی حاکم بر جهان امروزه دیدگاه چامسکی از قوت زیادی برخوردار بوده و برای قائلین به فضای علمی حاکم، گریزی از پذیرش دیدگاه چامسکی وجود ندارد. اما اگر در دیدگاه چامسکی دقت بیشتری نماییم آنچه قابل پذیرش است فرا زبانی بودن زبان و غیر قابل اکتسابی و موهبتی بودن آن است و بیش از این شاید نتوان چیز دیگری را پذیرفت؛ علاوه بر اینکه توصیف روشنی نیز از سوی چامسکی بر این دیدگاه عرضه نشده است، اینکه این موهبت چگونه و در چه موضعی قرار گرفته است چندان وضوح خاصی را در دیدگاه چامسکی از آن خود نمی‌سازد.

ما برآنیم اگر فارغ از پذیرش دیدگاه‌های مطرح در باب نظریات علمی و فلسفه علم بخواهیم به واقعیت جهان خارج نظری کنیم<sup>۱</sup> و دو بحث منشاء دین و منشاء زبان را مدنظر

۱. شاید این نکته روشن باشد که ترک نمودن دیدگاه‌های ارائه شده در باب نظریات علمی و سخن گفتن خارج از این دیدگاه‌ها موونه بسیاری می‌طلبد و ابتدا باید روش علمی که قرار است در آن سخنی گفته شود

داشته باشیم منشاء زبان می‌تواند گریزگاهی مناسب برای الهی بودن منشاء دین باشد. بدین بیان که اگر نقطه آغاز تکلم نمودن بشر را تصور نماییم، اولین انسانی که قصد بر تکلم نموده است و می‌خواهد صدایی از خود تولید کند تا به آن وسیله، موضوع مورد نظرش را برای مخاطب متصور سازد با این مشکل مواجه است که چگونه تطابق مد نظرش را به انجام رساند به عنوان مثال اگر اراده نموده تا سنگی را سنگ بنامد، چگونه دلالت لفظ سنگ را بر خود سنگ به مخاطبش بفهماند؟ ممکن است بگویید بنابر غالب نظریات تکاملی در این موضوع، با اشاره به این کار اقدام می‌کند، اما رجوع به اشاره ضمن اینکه بازگشت از سخن گویی و کاربرد زبان خواهد بود، ابهام در نشان دادن مراد متکلم را نیز به همراه دارد به اینصورت که وقتی متکلم به سنگ اشاره می‌نماید، مخاطب نمی‌داند رنگ سنگ یا شکل یا وزن یا مکان و یا کدام یک از دیگر خصوصیات آن سنگ مورد نظر متکلم است و بدینگونه هیچ تعامل و فهمی حاصل نمی‌شود تا قدم بعد برداشته شده و نهایتاً تکلمی صورت پذیرد و برای فهم سخن طرف مقابل چاره‌ای جز این باقی نمی‌ماند که حتماً چیز مشترکی میان طرفین وجود داشته باشد تا با اتکاء بر آن، فهم سخنان همدیگر و مکالمه‌ای مستمر صورت پذیرد.

چنانکه در سطور آغازین این نوشتار گفته آمد با پذیرفتن منشایی خارج از مجموعه بشری برای آغاز زبان ورزی و سخن گفتن انسان، آنگاه انکار حاصل از پذیرفتن منشایی غیر انسانی برای دین نیز مرتفع خواهد گشت و منکرین چنین منشایی در معرض پذیرش منشایی الهی برای دین خواهند بود.

### نتیجه‌گیری

در پی اهمیت موضوع «منشاء دین» در مطالعات دین‌پژوهانه و در نگرستن به این موضوع از منظر «منشاء زبان» از دیدگاه زبان‌شناسانه نوآم چامسکی، به دست می‌آید که ایشان بنابر

---

ارائه شود اما حتماً مخاطب ارجمند با ما همراهی خواهد بود که چنین مهمی خود اوراقی بس وسیعتر از این مجال می‌طلبد اما حداقل با چشم پوشی از آن مبانی می‌توان گفت اینک سخنی شنیده شود و مبادی را در موضعی دیگر استماع نماییم. (و البته چنین بیانی باز هم مخالفتی با فلسفه علم حاکم ندارد؛ چرا که در این گستره برخی سخنان به صرف بیان جوابی مناسب برای برخی سوالات، صرف نظر از مبادی پاسخ‌ها، علمی تلقی می‌شوند.)

روش متخذه خود و بر خلاف دیگر زبان شناسان که تنها به توصیف داده‌های زبانی اکتفا می‌کنند، در صدد بیان اصول حاکم بر زبان برآمده و با توجه به مبانی دستور زایشی به عنوان دستور مورد پذیرش در رویکرد ساختار شناسی، به بحث از منشاء زبان پرداخته است. وی با نقد دیدگاه‌هایی همچون دیدگاه پوپر و اسکینر در این زمینه، اساساً نگرش تکاملی به زبان را مخدوش دانسته و قائل است که جنبه‌های مهمی در زبان انسان وجود دارد که او را از نظام‌های ارتباطی میان جانوران متمایز ساخته و حتی ساده‌ترین ساختار آن در پیشرفته‌ترین حیوانات نیز وجود ندارد و بنابراین نمی‌توان ساختار شکل‌گیری زبان را ساختاری تکاملی دانست. چامسکی با تحلیل نحوه زبان‌آموزی کودکان، شکل‌گیری دانش زبانی یک زبان را مرهون دو عامل دستور همگانی و توانش زبانی می‌داند که در واقع می‌توان نقطه‌ثقل دیدگاه او را در باب منشاء زبان همان نظریه «دستور همگانی» و توانش زبانی دانست که بر اساس آن، منشاء زبان نه با تکامل که با پیدایش سازگار خواهد بود.

چنانکه در بررسی این دیدگاه دیدیم، صرف نظر از روش و مبانی چامسکی، شواهدی را که وی بر مدعای خود بیان می‌کند می‌توان شواهدی قوی دانست و البته عمده عاملی که پذیرش نظریه چامسکی در باب منشاء زبان را دشوار می‌سازد سیطره‌ای است که اندیشه سیر تکاملی پیشرفت بر جوامع علمی دارد و مانع از پذیرش کوچکترین شواهدی علیه خود می‌شود و طبیعی است که قائل شدن به عدم تکاملی بودن زبان در چنین فضایی با عدم اقبال مواجه خواهد شد. با این وجود می‌توان گفت بنابر آنچه در بستر فلسفه علم همین فضای علمی مطرح بوده، دیدگاه چامسکی در باب منشاء زبان دارای قوت بوده و نمی‌توان آن را به آسانی تخطئه نمود و تلاش‌های شکست‌خورده مخالفین این دیدگاه نیز مؤید همین مطلب است.

خروج از فضای تحت سلطه اندیشه تکاملی که بیش از علمی بودن جنبه روانشناسی دارد، و اندکی تامل در باب منشاء زبان، این حقیقت را روشن می‌سازد که نمی‌توان برای زبان منشایی بشری قائل بوده و با این نتیجه می‌توان به موضوع «منشاء دین» نیز نظری انداخته و از اثبات غیر بشری بودن منشاء زبان، محصور ماندن در منشاء بشری داشتن دین را نیز نفی نمود و آن حصار شکنی را در دیگر امور که بر بشری بودنش اصرار می‌شود نیز تسری داد.



### فهرست منابع

۱. دبیر مقدم، محمد، (۱۳۸۶)، *زبان‌شناسی نظری (پیدایش و تکوین دستور زایشی)*، ویراست دوم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ دوم.
۲. زاهدی، کیوان، (۱۳۸۵)، *زبان‌شناسی چامسکی*، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۰، تابستان ۱۳۸۵، ۱۳-۳۶
۳. قائمی نیا، علیرضا، (۱۳۷۹)، *درآمدی بر منشأ دین*، قم: انتشارات معارف.
۴. مشکوه‌الدینی، مهدی، (۱۳۷۶)، *سیر زبان‌شناسی*، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ پنجم.
۵. یول، جورج، (۱۳۸۶)، *نگاهی به زبان (یک بررسی زبان ساختی)*، ترجمه نسرین حیدری، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
6. Chomsky, Noam, (1964), *Current Issues in Linguistic Theory*, The Hague: Mouton.)
7. \_\_\_\_\_, (1965), *Aspects of the Theory of Syntax*, Cambridge, Mass.: MIT Press.
8. \_\_\_\_\_, (1966), *Cartesian Linguistics*, New York: Harper and Row.)
9. \_\_\_\_\_, (1972), *Language and mind*, Enlarged Edition. Harcourt Brace Jovanovich, Inc.
10. \_\_\_\_\_, (1975), *The Logical Structure of Linguistic Theory*, New York: Plenum.
11. \_\_\_\_\_, (1986a), *Knowledge of Language: its Nature, origin, and Use*, New York: Praeger.
12. \_\_\_\_\_, (1986b), *Barriers*, Cambridge: Mass.:MIT Press.
13. \_\_\_\_\_, (2000a). *New Horizons in the Study of Language and Mind*. Cambridge: CUP.
14. \_\_\_\_\_, (2002). *On Nature and Mind*. Cambridge: CUP.
15. \_\_\_\_\_, (1965). *Aspects of the Theory of Syntax*. Cambridge, MA: MIT Press.
16. \_\_\_\_\_, (1980). *Rules and Representations*. Oxford: Basil Blackwell.
17. Humboldt, Wilhelm von. (1836/1988). *“Uber die Verschiedenheit des Menschlichen Sprachbaues”*. Berlin. Translated by Peter Heath as *The Diversity of Human Language- Structure and its Influence on the Mental Development of Mankind*. Cambridge: CUP.
18. Lyons, John, (1984), *Language and Linguistics*, An Introduction, Cambridge University Press.)
19. Newmeyer, f, (1980), *Linguistic Theory in America*, New York: Academic Press.
20. \_\_\_\_\_, (1986), *Has There Been a “Chomskyan Revolution” in Linguistics? Language*, 62: 1-18.)